



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

نعمان ملک

حسین حلیان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نماز طواف

نویسنده:

حسین حلبیان

ناشر چاپی:

امیر العلم

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	نماز طواف
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۹	فهرست
۱۱	مقدمه
۱۴	وَأَتَّخِذُوا
۱۴	اشاره
۱۴	مبحث اول: عطف یا استیناف؟
۱۵	مبحث دوم: امر یا ماضی؟
۱۷	مبحث سوم: مخاطب چه کسی است؟
۱۸	مبحث چهارم: وجوب یا استحباب؟
۱۹	مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ
۱۹	مبحث اول: مقام ابراهیم چیست؟
۲۱	مبحث دوم: شخصیت ممتاز حضرت ابراهیم علیه السلام
۲۲	مبحث سوم: مکان اصلی مقام ابراهیم علیه السلام
۲۳	مبحث چهارم: آثار و احکام مقام ابراهیم
۲۳	مُضَلَّى
۲۳	نماز طواف
۲۴	مبحث اول: وجوب نماز طواف
۲۶	مبحث دوم: نماز طواف در مذاهب
۲۶	الف: امامیه
۲۷	ب: مالکیه
۳۱	ج: حنفی ها

۳۳	د: شافعی ها
۳۵	ه: حنبلی ها
۳۶	و: وهابی ها
۳۷	مبحث سوم: ادله ی قائلین به وجوب نماز طواف
۴۰	مبحث چهارم: مکان نماز طواف
۴۴	مبحث پنجم: زمان نماز طواف
۴۷	مبحث ششم: اجزاء نمازهای دیگر از نماز طواف
۵۰	مبحث هفتم: نشسته خواندن نماز طواف
۵۴	خلاصه
۵۶	منابع و مأخذ
۵۹	درباره مرکز

نماز طواف

مشخصات کتاب

سرشناسه: حلییان، حسین، 1360 -

عنوان و نام پدیدآور: نماز طواف [کتاب] / تألیف حسین حلییان.

مشخصات نشر: قم: امیرالعلم، 1392.

مشخصات ظاهری: 52 ص.

شابک: 30000 ریال

یادداشت: کتابنامه: ص. 50-52؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: حج

موضوع: نماز

رده بندی کنگره: BP188/8 /ح 86ن 8 1392

رده بندی دیویی: 297/357

شماره کتابشناسی ملی: 3444399

ص: 1

اشاره

«بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ»

سرشناسه: حسين حلييان (1360)

نماز طواف

مشخصات نشر: قم، امير العلم، 1392

شابک: 1 - 211 - 392 - 325

فهرست نویسی: فیپا

موضوع: فقه جعفری _ قرن 14

رده بندی کنگره: 1392 ب8 د12/5/328/BP

رده بندی دیویی: 207/165

شماره ملی: 7351294

مکتبه أهل

البيت للفقہ والاجتهاد

مؤلف: حسين حلييان

ناشر: امير العلم

حروفچين: هادی زندفرید

قیمت: 30000 ریال

ص: 2

فهرست

تصویر

□

ص: 3

تصوير

□

ص: 4

«وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ» سورة بقره آیه 125

(و به یاد آورید) هنگامی که خدا کعبه را محل بازگشت (و اجتماع) مردم و مرکز امن قرار دادیم. و (به مردم گفتیم): از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید. و از ابراهیم و اسماعیل پیمان گرفتیم که: «خانه ی مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان سجده گزار [نماز گزاران] پاکیزه سازید».

مقدمه

حج در اسلام جایگاهی رفیع و بی بدیل دارد. عبادتی است که تشیید دین است (1)،

حج تجلی گاه عزت و عظمت مسلمین و مجمع بزرگان بندگان و همایش جهانی عباد است، و یکی از ارکان و بنیان های اسلام محسوب می شود.

در روایتی از حضرت أبوجعفر علیه السلام آمده:

ص: 5

1- . فی الخطبه الفدکیه عن سیدتنا فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و اله: «فجعل الله الايمان تطهيراً لكم من الشرك، والصلاه تنزيهاً لكم عن الکبر، ... والحج تشييداً للدين» ر.ک: احمد رحمانی همدانی، فاطمه الزهراء سلام الله عليها بهجه قلب المصطفى، ص 333؛ وفي البحار «تسليه للدين»، ج 6، ص 107.

بنی الإسلام علی خمس: علی الصلاه والزکاه والصوم والحج والولایه ولم یناد بشیء کما نودی بالولایه. (1)

و در اهمیت حج همین بس که یکی از مبانی پنجگانه ی اسلام شمرده شده.

حج و عمره هر دو مفروض بوده (2)

و بر هر مکلف مستطیعی واجب می باشد. «فیه آیاتٌ بَیِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِیمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ» (3).

و در روایات ترک حج با استطاعت برابر با کفر شمرده شده است. (4)

عبادتی است جامع و مشتمل بر عبادات بدنی و مالی و مناسک مختلف و مرکب از اجزاء و افعال گوناگون که از مناسک عالی، مهم و اساسی آن طواف و نماز طواف می باشد که نقش بسزایی در کمال و جامعیت این واجب الهی ایفا می نماید.

به بیان برخی اساتید: همه نکاتی که درباره ی نماز وارد شده در حجّ نیز تحقق می یابد؛ زیرا در حج طواف تشریح شده که خود نماز است. افزون بر اینکه در حج نماز نیز هست؛ چون طواف کننده پس از طواف، نزد مقام ابراهیم به نماز می ایستد: «وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِیمَ

ص: 6

1- . محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج 2، ص 18.

2- . حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 11، ص 7.

3- . سوره ی آل عمران، آیه ی 97.

4- . حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 11، ص 30 و 31.

و با نماز گزاردن در آنجا ستون دین خویش را برپا می دارد و به وسیله ی آن به مولای خود تقرب می جوید و به همه ی مزایایی که برای نماز است نایل می شود.

(2)

در مرسله ای از حضرت امام زین العابدین علیه السلام آمده: فحين صليت فيه ركعتين نويت أنك صليت بصلاة ابراهيم عليه السلام وأرغمت بصلاتك أنف الشيطان؟(3)

مطابق این کلام نماز طواف مصداق اقتدای به ابراهیم علیه السلام و

مبارزه و در هم شکستن شیطان است؛ در نتیجه هم مصداق ولایت است و هم مصداق براءت.

نوشتار حاضر تحقیقی است درباره ی نماز طواف که به طور مقارن و استدلالی به بررسی مباحث فقهی _ تفسیری در این رابطه می پردازد. امید است این نوشته مرضی رب البیت و حجت حیّ او' عجل الله تعالی و فرجه قرار گیرد و مفید جهت محققین و طلاب حوزه های علمیه خصوصاً روحانیون محترم حج باشد.

حسین حلیان

رمضان المبارک 1434

ص: 7

1- . سوره ی بقره، آیه ی 125.

2- . عبدالله جوادی آملی، صهباي حج، ص 52.

3- . حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج 10، ص 168.

«وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى»

وَاتَّخِذُوا

اشاره

این کلمه را «این عامر» و «نافع» به صورت ماضی خوانده اند «وَاتَّخِذُوا» (1): مباحثی اینجا مطرح است:

1- آیا واو عاطفه است یا استینافیه؟ اگر عاطفه است معطوف علیه چیست؟

2- آیا لفظ امر درست می باشد یا لفظ ماضی؟

3- اگر امر است مخاطب آن چه کسانی هستند و اگر ماضی است فاعل فعل چه کسانی هستند؟

4- در صورتی که امر باشد امر وجوبی است یا استحبابی؟

مبحث اول: عطف یا استیناف؟

آنچه از بیان مرحوم شیخ طوسی مستفاد است احتمال عاطفه بوده واو است (2)

گرچه برخی آن را استیناف می دانند (3).

و اما اینکه معطوف علیه چه می باشد احتمالاتی در این زمینه هست:

1- عطف بر «اذْکُرُوا» ی مقدر در اول آیه _ قبل از «إِذَا» _

ص: 8

1- . شیخ طوسی، التبیان، ج 1، ص 450.

2- . شیخ طوسی، التبیان، ج 1، ص 450. و معجم الفاظ القرآن الکریم (با مقدمه محمد سید طنطاوی)، ص 24.

3- . محمود صافی، الجدول فی إعراب القرآن و صرفه و بیانه، ج 1، ص 257.

می باشد؛

2- عطف بر «بِنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا» مذکور در آیه ی 122 می باشد؛(1)

3- عطف بر «جَعَلْنَا»(2)

4- عطف بر «جَعَلْنَا» به تقدیر «قُلْنَا» ای: «جَعَلْنَا»... و(قلنا)

«وَاتَّخَذُوا»(3)

5- عطف بر معنای «جعلنا مثابه» ای: ثوبوا اليه «وَاتَّخَذُوا»(4)

6- عطف بر «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» مذکور در آیه ی 124؛(5)

7- عطف بر «حَجَّوْا» و «طُوفُوا» ی محذوف.(6)

مبحث دوم: امر یا ماضی؟

قراءت مشهور همان قراءت به صیغه ی امر است. و روایات دالّ بر وجوب نماز طواف در کنار مقام ابراهیم و یا پشت مقام ابراهیم نیز تناسب با همین قراءت دارد، بویژه اینکه بسیاری از آنها آیه ی کریمه نیز

ص: 9

1- . شیخ طوسی، التبیان، ج 1، ص 452.

2- . شیخ طوسی، التبیان، ج 1، ص 453. و زجاج، معانی القرآن وإعرابه، ج 1، ص 207.

3- . ر. ک: زمخشری، الکشاف، ج 1، ص 310 و سید عبدالله شبر، تفسیر القرآن الکریم، ص 31.

4- . شیخ طوسی، التبیان، ج 1 ص 452.

5- . همان.

6- . عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج 6، ص 546 و 536.

و بعض عامه روایتی نقل کرده اند از «عمر» که آن نیز با قراءت مشهور تناسب دارد و قراءت مشهور را تقویت کرده اند. (2)

ولی قراءت به صیغه ی ماضی مؤیدی دارد و آن تناسب در عطف ها است _ بنابر اینکه عطف بر «جَعَلْنَا» باشد _ چه اینکه «جَعَلْنَا» ماضی است و «عَهْدْنَا» هم که در ادامه آمده ماضی می باشد و به این لحاظ ماضی تناسب دارد.

ولی جوابی که می توان در تأیید و مناسب بودن صیغه ی امر داد این است که: مسندالیه جعلنا و عهدنا حضرت حق جلّ و علا است و در صورت امر بودن صیغه، متکلم و مُنْشئِ خطاب حضرت می شود و به نوعی «وَأَتَّخِذُوا» اسناد داده ی به حضرت حق جلّ و علا می شود، برخلاف صیغه ی ماضی که مسندالیه در این صورت غیر حضرت حق می شود. و به این لحاظ لفظ ماضی بی تناسب است. گذشته از این که در قرآن مجید خیلی مواقع «سیاق قبل و بعد» متفاوت از اصل مطلب بیان شده است (3)

و باید در این مورد اولاً به روایات معصومین و ثانیاً شهرت روایت اعتنا شود.

ص: 10

-
- 1- . ر.ک: حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 13، ص 425 و 430 و 431 و 432 و 433.
 - 2- . «القراءه فی ذلک عندنا «وَأَتَّخِذُوا» بکسر الخاء علی تأویل الأمر باتخاذ مقام ابراهیم مصلی». طبری، جامع البیان، ج 1، ص 421.
 - 3- . به عنوان نمونه می توان آیه ی تطهیر (آیه 33 سوره ی احزاب) را یاد کرد.

برخی مفسرین این احتمال را مطرح کرده اند که مخاطب در آیه «یهود» و «بنی اسرائیل» باشند؛ و این را متناسب با عطف بر «اذکروا نِعْمَتِي» (1) که در آیات قبل آمده و هم سیاق با آیه ی کریمه می باشد دانسته اند. (2) همچنین این احتمال وجود دارد که مخاطب ابراهیم (و کسانی که همراه او مورد ابتلاء قرار گرفته اند) باشد. (3) احتمال دیگر اینکه مخاطب آیه ی کریمه حضرت نبی اکرم صلی الله علیه واله مؤمنین به پیامبر صلی الله علیه و اله و

جمع خلق می باشند. (4) ظاهراً طبری با تمسک به حدیثی که از «عمر» نقل شده همین احتمال سوم را برمی گزیند. (5)

و اینجا موردی است که این مفسر عامی با توجه به روایت، از سیاق آیه دست برداشته و دلالت سیاق را ظاهراً نپذیرفته است.

در تفسیر تبیان آمده است: «وظاهر قوله «وَأَنخِذُوا» أنه عام لجميع المكلفين إلا من خصّه الدليل وعليه أكثر مفسرين». (6) که از این کلام مرحوم شیخ طوسی استفاده شده می شود که مخاطب تمام مکلفین هستند.

ص: 11

-
- 1- . سورة بقره، آیه 122 .
 - 2- . طبری، جامع البیان، ج 1، ص 421.
 - 3- . همان.
 - 4- . همان.
 - 5- . «والخبر الذى ذكرناه عن عمر بن الخطاب عن رسول الله صلى الله عليه [وآله] وسلم قبل يدل على خلاف الذى قاله هؤلاء وأنه أمر من الله تعالى ذكره بذلك رسول الله صلى الله عليه [وآله] وسلم والمؤمنين به وجميع الخلق المكلفين». ر. ك: طبرى، همان.
 - 6- . شيخ طوسى، التبيان، ج 1، ص 452.

احتمال دیگر اینکه مخاطب «ناس» باشند، که این معنا نزدیک به احتمال سوم است. به هر حال آنچه متناسب با روایات ما در ذیل آیه ی شریفه می باشد عدم اختصاص آیه به بنی اسرائیل _ و یا مخاطب بودن ابراهیم (و همراهیانش) _ می باشد.

مبحث چهارم: وجوب یا استحباب؟

زمخشری در تفسیر آیه آورده: «أى وقلنا: « وَأَتَّخِذُوا » منه موضع صلاة تصلون فيه، وهو على وجه الاختيار والاستحباب دون الوجوب».(1)

که در این کلام او تمام شده اخذ مصلی از مقام ابراهیم استحباب دارد. ولی مرحوم شیخ طوسی در تبیان می فرمایند: «قال قتاده والسدى: أمروا أن يصلوا عنده وهو المروى فى أخبارنا. وبذلك استدلوا على أن صلاة الطواف فريضه مثله، لأن الله تعالى أمر بذلك والأمر يقتضى الوجوب، وليس ها هنا صلاة يجب أدائها عنده غير هذه بلاخلاف».(2)

و از کلام شیخ قول به وجوب استفاده می شود. بحث بیشتر در این زمینه در بحث نماز طواف خواهد آمد ان شاء الله.

ص: 12

1- زمخشری، الکشاف، ج 1، ص 310. توضیح اینکه بنا بر آنچه حجه الاسلام والمسلمین علی اکبر مهدی پور نقل کردند زمخشری شافعی مذهب می باشد. ر.ک: اسماعیل پاشا بغدادی، هدیه العارفین، ج 2، ص 402.

2- شیخ طوسی، التبیان، ج 1، ص 453.

مبحث اول: مقام ابراهیم چیست؟

«مقام» اسم مکان از قام یقوم، اصل آن «مَقُوم» بوده است.

در اینکه مقام ابراهیم چیست، مرحوم شیخ طوسی چهار قول نقل نموده اند:

1- ابن عباس گفته است: «الحجّ کلّه مقام ابراهیم»: تمام حجّ مقام ابراهیم است.

2- عطا گفته است: عرفه و مزدلفه و جمار مقام ابراهیم هستند.

3- مجاهد گفته است: «الحرم کلّه مقام ابراهیم»: کل حرم مقام ابراهیم است.

4- سدی گفته است: مقام ابراهیم، سنگی است که همسر اسماعیل علیه السلام آن را زیر پای ابراهیم علیه السلام قرار داد در هنگامی که

سر ابراهیم را شست. (1)

و در اول نیز سه احتمال وجود دارد:

1- افعال حج؛

2- موسم حج؛

3- مکان برگزاری حج.

آیهالله جوادی آملی می فرمایند: «مقام سنگی است که اثر پای مبارک حضرت ابراهیم علیه السلام را به صورت اعجازی در خود نگه

داشته است. این سنگ که از برجسته ترین آیات بین الهی در مکه است

ص: 13

1- . همان.

چگونگی شکل گیری آن مورد اختلاف است. وجوه محتمل در این باره عبارت است از:

1- ابراهیم خلیل الرحمن هنگام بالا بردن دیوارهای کعبه روی آن می ایستاده است (1).

2- در سفر دوم آن حضرت به مکه، هنگامی که به تقاضای همسر حضرت اسماعیل از مرکب خود پیاده شده پا بر روی این سنگ گذارده است. (2)

3- آن حضرت هنگام امثال فرمان «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ» (3) بر فراز این سنگ رفته و مردم را به حج فرا خوانده است. (4)

به هر تقدیر، اصل پا گذاشتن آن حضرت بر سنگ صمد و سخت و فرورفتن جای پای مبارک وی و ماندن اثر پا در آن سنگ، مسلم است. (5)

و این مطلب را معجزه ای دال بر نبوت حضرت ابراهیم علیه السلام ذکر کرده اند. (6)

از عبارت زمخشری در تفسیر کشاف این نکته استنباط می شود که

ص: 14

1- . محمدتقی مجلسی، روضه المتقین، ج 4، ص 114.

2- . شیخ طوسی، التبیان، ج 1، ص 453.

3- سوره ی حج، آیه 27

4- . محمد محمدی ری شهری، حج و عمره در قرآن و حدیث، ص 152.

5- . عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج 6، ص 545 و 544.

6- . شیخ طوسی، التبیان، ج 1، ص 453.

«سنگ و محل قرارگرفتن آن» را مقام ابراهیم دانسته است. (1) که این مطلب متین به نظر می رسد.

در رابطه با مقام ابراهیم چند مطلب قابل بررسی می باشد:

1- شخصیت ممتاز حضرت ابراهیم علیه السلام؛

2- مقام ابراهیم در چه موضعی است و مکان اصلی آن کجا بوده است؟

3- مقام ابراهیم چه آثار و احکامی دارد؟

مبحث دوم: شخصیت ممتاز حضرت ابراهیم علیه السلام

نام ابراهیم در 69 مورد از قرآن مجید ذکر شده، و در 25 سوره سخن از وی به میان آمده است، در آیات قرآن از این پیامبر بزرگ مدح و ستایش فراوان شده، و صفات ارزنده ی او یادآوری گردیده است. او از هر نظر قدوه و اسوه بود، و نمونه ای از یک انسان کامل.

مقام و معرفت او نسبت به خدا، منطق گویای او در برابر بت پرستان، مبارزات سرسختانه و خستگی ناپذیرش در مقابل جبّاران، ایثار و گذشتش در برابر فرمان پروردگار، استقامت بی نظیرش در برابر طوفان حوادث و آزمایش های سخت او،

هریک داستان مفصلی دارد و هر کدام سرمشقی است برای مسلمانان و رهروان راه «الله».

ص: 15

1- «مقام ابراهیم الحجر الذی فیہ أثر قدمیه والموضع الذی کان فیہ الحجر حین وضع علیه قدمیه وهو الموضع الذی یسمى مقام ابراهیم». زمخشری، الکشاف، ج 1، ص 310.

به گفته قرآن او از نیکان (1) صالحان (2) قانتان (3) صدیقان (4) بردباران (5) و وفاکنندگان (6) بود، شجاعتی بی نظیر و سخاوتی فوق العاده داشت. (7)

مبحث سوم: مکان اصلی مقام ابراهیم علیه السلام

هم اکنون مقام در کنار کعبه (به طرف مسعی) در فاصله ی تقریباً 26.5 ذراع دورتر از کعبه قرار گرفته است.

ولی آنچه از روایت استفاده می شود این است که مقام ابراهیم جابه جا شده است. (8)

در کتاب حج و عمره در قرآن و حدیث آمده است: «تغییر مکان «مقام ابراهیم» از مسلمات تاریخ است و بسیاری از کتاب های سیره و حدیث و تاریخ، آن را از مکان کنونی اش به کعبه نزدیک تر و حتی چسبیده به آن دانسته اند.

بر طبق آنچه از برخی احادیث، به دست می آید، ابتدا در جاهلیت، آن را از کعبه دورتر بردند و سپس پیامبر صلی الله علیه واله آن را پس از فتح مکه به جای نخستینش بازگرداند؛ یعنی همان مکانی که ابراهیم علیه السلام آن را در آنجا نهاده بود. سپس عمر، آن را به مکانی که هم اکنون قرار دارد،

ص: 16

- 1- . سوره ی ص، آیه ی 47.
- 2- . سوره ی نحل، آیه ی 122.
- 3- . سوره ی نحل، آیه ی 120.
- 4- . سوره ی مریم، آیه ی 41.
- 5- . سوره ی توبه، آیه ی 114.
- 6- . سوره ی نجم، آیه ی 37.
- 7- . ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 1، ص 446.
- 8- . ر.ک: محمد محمدی ری شهری، حج و عمره در قرآن و حدیث، ص 154 و 152.

مبحث چهارم: آثار و احکام مقام ابراهیم

برای مقام ابراهیم حداقل دو اثر ذکر شده است:

1- محل نماز طواف است؛

2- حد مطاف است.

آنچه اکنون با توجه به تناسب آیه ی کریمه مورد توجه است مباحث مربوط به نماز طواف می باشد.

مُصَلِّي

نماز طواف

در تفسیر المیزان علامه طباطبایی فرموده: المصلی اسم مکان من الصلوه بمعنی الدعاء أى اتخذوا من مقامه مكاناً للدعاء. (2)

ولی در تفسیر گرانسنگ برهان و هفت حدیث در ذیل آیه ی شریفه آورده مبنی بر اینکه آیه ی کریمه اشاره به «نماز طواف» دارد، که در همه ی روایات به آیه ی کریمه استشهاد شده. (3)

در بعضی از این روایات «عند مقام ابراهیم» (4) آمده و در بعضی «خلف المقام» (5) آمده.

ص: 17

1- . همان، ص 157.

2- . سید محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج 1، ص 280.

3- . سید هاشم بحرانی، برهان، ج 1، ص 152 و 151. و ر. ک محمود بن عیاش، تفسیر عیاشی، ج 1، ص 59 و 58.

4- . روایت اول، ششم، هفتم.

5- . روایت دوم، سوم، چهارم.

و آنچه این روایات متناسب با آن هست، همان قرائت مشهور «وَاتَّخِذُوا» به صیغه ی امر می باشد. شیخ طوسی نیز در تبیان کلامی دارند مبنی بر اینکه «امر به نماز طواف» از روایات قابل استفاده است. (1)

در تفاسیر عامه هم در شأن نزول آیه روایتی از «عمر» و یا «ابن عمر» آورده اند (2) و بعضی آن را مؤید قرائت مشهور دانسته اند. (3)

در تفسیر تسنیم آمده است: «مصلاهی نماز طواف، مقام

ابراهیم است. امر به طواف در آیه ی شریفه ی «لِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» (4) و دستور نماز طواف در آیه ی مورد بحث آمده است: «وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّئًا»؛

بر اساس روایات اهل بیت:، نماز طواف باید پشت مقام ابراهیم یا کنار آن به جا آورده شود؛ از این رو نماز در جلوی مقام، به گونه ای که مقام پشت سر قرار گیرد تجویز نشده است. (5)

مبحث اول: وجوب نماز طواف

مرحوم شیخ طوسی در کتاب خلاف می نویسند: «دورکعت نماز طواف واجب است در نزد اکثر اصحاب ما و عامه ی اهل علم، ابوحنیفه و مالک و اوزاعی و ثوری به همین قول قائلند. و شافعی در

ص: 18

1- . شیخ طوسی، التبیان، ج 1، ص 453.

2- . زمخشری، الکشاف، ج 1، ص 310.

3- . طبری، جامع البیان، ج 1، ص 421.

4- . سوره ی حج، آیه ی 29.

5- . عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ص 546 و 545.

این باره دو قول دارد، یکی همانند ما، و دیگری اینکه آن دو رکعت واجب نیست، و این قول دوم اصحّ در نزد شافعی ها می باشد و به همین قول، قائل شده اند گروهی از اصحاب ما. و دلیل ما قول خداوند تبارک و تعالی است: «وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّئًا» و این امر اقتضای وجوب دارد. و نیز طریق احتیاط نیز اقتضای وجوب دارد؛ زیرا اگر آن دو رکعت را بجا آورد براءت ذمه ی یقینی پیدا می کند، و اگر نخواند [براءت ذمه] مورد اختلاف است. و اخبار ما در این معنا [وجوب نماز طواف] زیادتز از آن است که احصاء شود، ما آنها را ذکر کرده ایم و وجه روایات مخالف با آن را نیز بیان کرده ایم. و خلافتی نیست که پیامبر صلی الله علیه و آله آن دو رکعت را به جا آورده و ظاهر این مطلب اقتضای وجوب دارد». (1)

مرحوم ابن ادریس حلی آورده است: «دو رکعت نماز طواف فریضه، فریضه است. همان طور که طواف فریضه است. و این

قول صحیح از اقوال اصحاب ما است. و اندکی معتقد شده اند که آن دو رکعت مستحب است، ولی اظهر، قول اول است». (2)

علامه در تذکره فرموده اند: «و اگر طواف واجب باشد، دو رکعت نماز طواف نیز واجب است در نزد اکثر علمای ما _ و همین را قائل شده ابوحنیفه و شافعی در یکی از دو قول خود _ ... و مالک و شافعی در قول دوم خود و احمد گفته اند: آن دو رکعت مستحب است _ و این

ص: 19

1- . شیخ طوسی، الخلاف، ج2، ص327.

2- . ابن ادریس حلی، السرائر، ج1، ص576.

قول اندکی از علمای ما می باشد _». (1)

این نسبت علامه مخالف و ناسازگار است با نسبت مرحوم شیخ طوسی در کتاب خلاف که به مالک نسبت داده بودند واجب بودن نماز طواف را که بحث بیشتری خواهد آمد إن شاء الله.

همچنین مرحوم صاحب جواهر درباره ی اینکه چه کسانی از شیعه قائل به عدم وجوب هستند فرموده: «ما آنها را نمی شناسیم». (2)

و در کتاب فقه الصادق آمده: «وفی التذکره نسبه عدم الوجوب إلی شاذّ من علمائنا، وكذا عن الخلاف وغيره، ولکنّه لم یعرف». (3)

مبحث دوم: نماز طواف در مذاهب

الف: امامیه

نماز طواف در نزد مذهب حقه ی امامیه (مذهب جعفری) واجب است همان طور که گذشت.

ص: 20

1- . علامه حلّی، تذکره الفقهاء، ج 8، ص 95 و 94.

2- . محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج 19، ص 300.

3- . سید محمد صادق روحانی، فقه الصادق، ج 11، ص 248.

و اما در مذهب مالک این دو رکعت جزء طواف است

به طوری که اگر بعد از طواف و قبل از نماز حدثی از او سر زد طواف را اعاده می کند. مالکی ها در طواف افاضه و قدوم قائل به وجوب این دو رکعت اند، ولی در طواف وداع دو قول وجود دارد:

1- وجوب؛

2- سنت بودن.

همچنین مستحب می دانند که در رکعت اول سوره ی کافرون و در رکعت دوم سوره ی اخلاص قرائت شود، و مستحب می دانند که این نماز پشت مقام ابراهیم باشد و بعد از آن دو رکعت در مستلزم دعا کنند (مستلزم: بین حجرالاسود و در خانه ی خدا). و اگر کسی بعد از عصر طواف بجا آورد، مستحب است نماز طواف را بعد از نماز مغرب و قبل از نافله ی مغرب بجا بیاورد. (2)

در کتاب الفقه علی المذاهب الأربعة آمده: «المالکيه قالوا: للطواف واجبان وسنن، فأما واجباه فهما صلاه ركعتين بعده، كما تقدم، والمشى

ص: 21

1- قال سعيد بن عبد القادر باشنفر في المغنی في فقه الحج والعمرة: «جاء في المغنی، والمجموع: أنها سنة مؤكدة عند مالک، وجاء في مناسک ابن جماعه والقوانين الفقهيه لابن جزى، والمحلی لابن حزم، وغيرهما: أنها واجبه عند مالک، ويقوی ذلك أنه عند مالک وأبی حنیفه: أن صلاه الفرض بعد الطواف لا تسقط ركعتی الطواف، ولو كانت سنة لاغنی عنها صلاه الفرض كما هو عند الشافعی وأحمد» ص 213. انتهى کلامه ولا یخفی ضعف استدلاله وأنه لا ربط بین أجزاء الفرض عنها واستحبابها. (حسین حلبیان).

2- عبد الرحمن جزیری، الفقه علی المذاهب الأربعة، ج 1، ص 654.

فیه للقادر علیه»⁽¹⁾ در این عبارت نیز نماز طواف را در نزد مالکی ها واجب می داند.

این در حالی است که در المغنی و شرح الکبیر که در فقه حنفی نگاشته شده اند موفق الدین بن قدامه و شمس الدین بن قدامه به مالک نسبت داده اند که این دو رکعت نماز را سنت مؤکد می داند و واجب نمی داند⁽²⁾.

ابن رشد قرطبی در بدایه المجتهد آورده است: «وأجمعوا على أن من سنه الطواف ركعتين بعد انقضاء الطواف... وحجه الجمهور أن رسول الله صَلَّى الله عليه [وآله] وسلم طاف بالبيت سبعاً وصلّى خلف المقام ركعتين، وقال: خذوا عني مناسككم»⁽³⁾ البته با دقت در کلام ابن رشد به این نکته می رسیم که گاهی سنت را در مقابل فضیلت به کار برده، و منظور از سنت استحباب نمی باشد، بلکه عملی لازم می باشد مثلاً در حکم رَمَل⁽⁴⁾ در اشواط ثلاثه این سؤال را مطرح می کند که آیا سنت است یا فضیلت و بعد تذکر می دهد که: فرق بین دو قول در این است که کسی که آن را سنت می داند واجب می کند در ترک آن خون را

ص: 22

-
- 1- . عبدالرحمن جزیری، الفقه علی المذاهب الأربعة، ج 1، ص 656، و.ر.ک: نورالدین عتر، الحج والعمرة فی الفقه الاسلامی، ص 76؛ أحمد عبدالقادر معبی، توضیح المناسک علی المذاهب الأربعة، ص 124.
 - 2- . ابنی قدامه، المغنی والشرح الکبیر، ج 3، (المغنی) ص 405 و (الشرح الکبیر) ص 414. و.ر.ک: أحمد عبدالقادر معبی، توضیح المناسک علی المذاهب الأربعة، ص 81.
 - 3- . محمد بن أحمد بن رشد، بدایه المجتهد ونهایه المقتصد، ج 1، ص 582.
 - 4- . سرعت در راه رفتن با نزدیک بودن قدمها.

(قربانی را) و کسی که آن را سنت نمی داند واجب نمی کند در ترک آن چیز را(1). و در جاهای دیگر از کتاب خود نیز سنت را در مقابل نفل قرار می دهد(2). و در قسم کفارات مسکوت عنها از مالک نقل می کند که: اگر کسی دو رکعت نماز طواف را فراموش کرد تا به وطن خود برگشت باید قربانی کند(3). و از این عبارت می توان برداشت کرد که ترک آن را موجب کفاره.

برخی نوشته های متأخر نیز به مالکی ها نسبت می دهند قول به وجوب این نماز را(4).

به هر حال اینکه قول مالک و مالکی ها در مسأله چیست مبهم است، به طوری که حتی در یک کتاب دو قول به آنها نسبت داده شده(5).

شیخ طوسی در خلاف قول به وجوب را به او نسبت می دهد(6) و علامه ی حلی قول به عدم وجوب را(7).

همچنین ابن قدامه(8) و نووی(9) به او نسبت می دهند عدم وجوب را،

ص: 23

-
- 1- «أن من جعله سنه أوجب في تركه الدم، ومن لم يجعله سنه لم يوجب في تركه شيئاً». محمد بن أحمد بن رشد، بدایه المجهتد ونهایه المقتصد، ج 1، ص 579.
 - 2- محمد بن احمد بن رشد، بدایه المجهتد ونهایه المقتصد، ج 1، ص 635.
 - 3- فقال مالک: «عليه دم». همان، ص 638.
 - 4- نورالدین عتر، الحج والعمره فی الفقه الإسلامی، ص 76.
 - 5- أحمد عبدالقادر معبی، توضیح المناسک علی المذاهب الأربعة، ص 81 و 124.
 - 6- شیخ طوسی، الخلاف، ج 2، ص 327.
 - 7- علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج 8، ص 95. و منتهی المطلب، ج 10، ص 324.
 - 8- ابن قدامه، همان.
 - 9- نووی، المجموع، ج 8، ص 62.

و متأخرین(1) به او نسبت داده اند و جوب را.

مطالب دیگری که جا دارد تذکر داده شود اینکه ابن رشد قرطبی مالکی درباره ی حکم رَمَل در سه شوط اول طواف پس از اینکه روایتی از ابن عباس نقل می کند که در سنت بودن رَمَل تشکیل می شود به این صورت که این عمل را پیامبر انجام داده اند در زمان حدیبیه برای نشان دادن قوت مسلمین و سنت نیست، روایت دیگری نقل می کند از رسول الله صلی الله علیه واله، که جابر می گوید: «أن رسول الله صلی الله علیه [وآله] وسلم رَمَل فی الثلاثه الأشواط فی حجه الوداع ومشی أربعاً»(2) و سپس می گوید: «وهو حدیث ثابت من روایه مالک»(3) و استنباط می کند: «وعلى الأصول الظاهرية يجب الرمل لقوله: خذوا عني مناسككم»(4). پس او سنت نبوی را که به یک روایت ثابت شده _ ولو یک روایت دیگر معارض آن است _ به ضمیمه ی «خذوا عني مناسككم» مثبت و جوب می داند. حال با این پیش فرض از کلام و استنباط او به سراغ کلام دیگر او در چند سطر بعد می رویم که می گوید:

«وأجمعوا على أن من سنه الطواف ركعتين بعد انقضاء الطواف، ...

ص: 24

1- . عبدالرحمن جزیری، الفقه على المذاهب الأربعة، ج 1، ص 656؛ نورالدین عتر، الحج والعمرة في الفقه الإسلامي، ص 76.

2- . محمد بن أحمد بن رشد، بدایه المجتهد ونهایه المقتصد، ج 1، ص 580.

3- . همان.

4- . همان، ص 341.

وحجه الجمهور أنّ رسول الله صَلَّى الله عليه [وآله] وسلم طاف بالبيتِ سبعاً صَلَّى خلف المقام ركعتين، وقال: خذوا عني مناسككم» (1).

پس، در مورد نماز طواف که سنت بودن آن اجماعی است به طریق اولی باید قائل به وجوب باشد. و این چیزی است که از بطن عبارات ابن رشد مالکی استفاده می شود.

ج: حنفی ها

و اما حنفیه یکی از واجبات طواف را دو رکعت نماز طواف می دانند (2) که بعد از هفت شوط طواف دو رکعت نماز بخواند، خواه طوافش واجب باشد، یا سنت باشد یا نقل باشد. و افضل آن است که بین طواف و نماز موالات را رعایت کند، مگر اینکه در وقت کراهت طواف کند؛ و نماز طواف را اگر ترک کرد فوت نمی شود، بلکه هر وقت خواست بجا می آورد ولو بعد از رجوع به وطن خود، اما این کار مکروه است، و مستحب است آن را پشت مقام ابراهیم به جا آورد، سپس در کعبه، سپس در حجر زیر ناودان، سپس هر مکانی که نزدیک باشد از حجر به بیت الله، سپس در حرم، و اگر خارج از حرم نماز خواند کار بدی کرده است، و قراءت می کند در رکعت اول سوره ی کافرون را و در رکعت دوم سوره ی اخلاص را (3).

ص: 25

1- . همان، ص 582.

2- . سید سابق، فقه السنه، ج 1، ص 621. و عبدالرحمن الجزیری، الفقه علی المذاهب الأربعة، ج 1، ص 658.

3- . عبدالرحمن جزیری، الفقه علی المذاهب الأربعة، ج 1، ص 658.

آنچه در کتاب مناسک حج در مذاهب پنج گانه ی اسلام، تألیف صدرالدین محلاتی - شیرازی، به حنفی ها نسبت داده شده مبنی بر اینکه دو رکعت نماز عقب هر شوط را واجب می دانند، ظاهراً صحیح نمی باشد. (1)

کاشانی حنفی در بدایع الصنائع می نویسد: «وإذا فرغ من الطواف يصلّي ركعتين عند المقام أو حيث تيسر عليه من المسجد وركعتا الطواف واجبه عندنا. وقال الشافعي سنه بناء على أنه لا يعرف الواجب إلا الفرض وليستا بفرض وقد واظب عليهما رسول الله صلى الله [وآله] وسلم فكانتا سنه ونحن نفرق بين الفرض والواجب ونقول الفرض ما ثبت وجوبه بدليل مقطوع به والواجب ما ثبت وجوبه بدليل غير مقطوع به ودليل الوجوب قوله و جل عن

«وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ»... ومطلق الأمر لوجوب العمل وروى أن النبي صلى الله عليه [وآله] وسلم لما فرغ من الطواف أتى المقام وصلى عنده ركعتين وتلا قوله تعالى «وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ». وروى عن عمر... أنه نسي ركعتي الطواف فقضاهما بذي طوى. فدل أنها واجبه». (2)

و در کتاب الحج و العمرة فی الفقه الإسلامی آمده: «ركعتا الطواف بعد كل سبعة أشواط: واجب عند الحنفية و المالكية. وذهب الشافعية والحنابلة إلى أنها سنّة مؤكدة». (3) این دو عبارت به وضوح قول به وجوب را به حنفی ها منسوب

ص: 26

1- ر.ک: صدرالدین محلاتی شیرازی، همان، ص 93.

2- ابوبکر بن مسعود کاشانی حنفی، بدایع الصنائع فی ترتیب الشرایع، ج 2، ص 148.

3- نورالدین عتر، الحج و العمرة فی الفقه الإسلامی، ص 76.

د: شافعی ها

از شافعی ها دو قول نقل شده. نووی در شرح مهذب آورده: «فأجمع المسلمون على أنه ينبغي لمن طاف أن يصلي بعده ركعتين عند المقام لما سبق من الأدلة وهل هما واجبتان أم سنتان فيه قولان مشهوران ذكرهما المصنف بدليلهما: أحدهما باتفاق الأصحاب سنة والثاني واجبتان. ثم الجمهور أطلقوا القولين ولم يذكروا أين نصّ الشافعي عليهما مع اتفاقهم على أن الأصح كونهما سنة. وقال أبوعلی البندنجی فی جامعه نصّ فی الجديد أنهما سنة قال وظاهر كلامه فی القديم أنهما واجبتان وشد الماوردی عن الأصحاب فقال علق الشافعی القول فی هاتین الركعتین فخرجهما أصحابنا علی وجهین أحدهما واجبتان والثانی سنتان وكذا حكاهما الدارمی وجهین والصواب أنهما قولان منصوصان هذا إذا كان الطواف فرضاً» (1).

نووی در این عبارت سنت را در مقابل وجوب قرار داده و سنت بودن نماز طواف را اصح نزد شافعی ها دانسته و در چند صفحه بعد آورده: «فرع: ركعتا الطواف سنة على الأصح عندنا وبه قال مالك وأحمد وداود وقال أبوحنيفة واجبتان» (2).

و اما متن مهذب این چنین است: «وإذا فرغ من الطواف صلى ركعتي الطواف وهل يجب ذلك فيه قولان أحدهما: أنها واجبه لقوله وجل عن

ص: 27

1- . نووی، المجموع، ج 8، ص 51.

2- . همان، ص 62.

«وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ» والأمر يقتضى الوجوب والثانى: لا يجب لأنها صلاه زائده على الصلوات الخمس فلم يجب بالشرع على الأعيان كسائر النوافل. والمستحب أن يصلِّيهما عند المقام لما روى جابر أن رسول الله صلَّى الله عليه [وآله] وسلم طاف بالبيت سبعا وصلَّى خلف المقام ركعتين. فإن صلاهما فى مكان آخر جاز لما روى أن عمر... طاف بعد الصبح ولم ير أن الشمس قد طلعت فركب فلما أتى ذاطوى اناخ راحلته وصلَّى ركعتين. والمستحب أن يقرأ فى الأولى بعد الفاتحه «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» وفى الثانية «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» لما روى جابر أن النبى صلَّى الله عليه [وآله] وسلم قرأ فى ركعتى الطواف «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و«قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ»...» (1).

در این عبارت به استدلال جهت قول وجوب و عدم وجوب پرداخته:

دلیل وجوب را آیه ی شریفه ی 125 سوره ی بقره ذکر می کند؛

و دلیل عدم وجوب را انحصار نمازهای واجب در نمازهای پنج گانه برشمرده است.

مرحوم شیخ طوسی نیز قول به عدم وجوب را در نزد شافعی ها اصح می داند. (2)

و اما متأخرین به شافعی ها نسبت داده اند قول به عدم وجوب را. (3)

ص: 28

1- . همان، ص 49.

2- . شیخ طوسی، الخلاف، ج 2، ص 327.

3- . نورالدین عتر، الحج والعمرة فى الفقه الإسلامی، ص 76 و أحمد عبدالقادر معبى، توضیح المناسک على المذاهب الأربعة، ص 81 و 124.

حنبلی ها دو رکعت نماز طواف را سنت مؤکد غیر واجب می دانند. (1)

ابن قدامه در المغنی آورده: ورکعتا طواف سنه مؤکده غیر واجبه، وبه قال مالک وللشافعی قولان أحدهما أنهما واجبتان لأنهما تابعتان للطواف فكانا واجبتين كالسعی.

ولنا قوله عليه السلام: «خمس صلوات كتبهن الله على العبد من حافظ عليهن كان له عند الله عهد أن يدخله الجنة»، وهذه ليست منها ولما سأل الاعرابی النبی صلی الله علیه واله عن الفرائض ذكر الصلوات الخمس قال: فهل علی غیرها؟ قال: «لا إلا أن تطوع» ولأنها صلاه لم تشرع لها جماعه فلم تكن واجبه كسائر النوافل. والسعی ما وجب لكونه تابعاً ولا هو مشروع مع كل طواف ولو طاف الحاج طوافاً كثيراً لم يجب علیه إلا سعی واحد، فإذا أتى به مع طواف القدوم لم يأت به سعی بعد ذلك بخلاف الركعتين فإنهما يشرعان عقيب كل طواف». (2)

در این عبارت ابن قدامه حنبلی با استدلالی شبیه آنچه گذشت (انحصار نمازهای واجب در نمازهای پنج گانه) و ذکر روایتی از نبی اکرصلی الله علیه واله نظریه ی عدم وجوب را توجیه نموده است.

علامه نیز در تذکره به احمد حنبلی نسبت می دهد قول به استحباب

ص: 29

1- . موفق الدین بن قدامه، المغنی، ج 3، ص 405 و شمس الدین بن قدامه، الشرح الكبير، ج 3، ص 414.

2- . موفق الدین بن قدامه، المغنی، ج 3، ص 405.

عبارت علامه این چنین است: والشافعی فی القول الثانی، وأحمد: أنهما مستحبان _ وهو قول شاذ من علمائنا _ لأنها صلاه لم یشرع لها اذان ولا إقامه، فلا تكون واجبه. قلنا: تكون واجبه، ولا یسن لها الأذان، وكذا العید الواجب والكسوف (2).

در این عبارت علامه ی حلی در جواب به استدلال مذکور آورده اند:

ما نمازهایی داریم که واجب است غیر از نمازهای پنج گانه _ هر چند اذان و اقامه هم ندارد _ مانند نماز عید و نماز کسوف.

و: وهابی ها

از فتاوی برخی از وهابی های معاصر در عربستان بر می آید که آنان در این مسأله تابع فقه حنبلی و شافعی هستند لذا فتوا به استحباب نماز طواف داده اند و گفته اند: اگر نماز طواف را فراموش نمود اشکال ندارد زیرا که سنت است و واجب نیست. (3)

توضیح اینکه وهابی ها پیشینه ی حنبلی دارند و پیرو این گروه بوده اند.

ص: 30

1- . علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج 8، ص 95.

2- . همان.

3- . مهدی پیشوایی و حسین گودرزی، بحث هایی از فقه تطبیقی، ص 85؛ نقل می کند از بن باز، الفتاوی المهمه، ص 41.

1- اجماع (1) و شهرت عظیمه (2)؛

2- آیه کریمه « وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّیً »

شهرت عظیمه بلکه اجماع وجود دارد در این باره که این آیه ی کریمه مربوط به نماز طواف است. و حتی کسانی که قائل به عدم وجوب نماز طواف هستند _ و نماز طواف را مستحب می دانند _ آیه ی شریفه را مربوط به نماز طواف دانسته اند (3). منتها به خاطر توهماتی دست از ظهور آیه برداشته اند. نووی شافعی در شرح مهذب آورده: «فإن قيل: کیف یصح استدلال المصنف بهذه الآیه مع أن الذی فیها إنما هو الأمر بالصلاه ولا یلزم أن تكون صلاه الطواف فالجواب: أن غیر صلاه الطواف لا یجب عند المقام بالإجماع فتعینت هی» (4).

و در صدر کلام خود روایت جابر بن عبدالله را نقل می کند از صحیح مسلم و از بیهقی بدین مضمون که پیامبر صلی الله علیه واله پس از طواف به طرف مقام رفتند و کریمه ی « وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّیً » را قرائت فرمودند و بعد دو رکعت نماز خواندند (5). علامه حلّی نیز آیه را دال علامه حلّی نیز آیه را دال بر وجوب نماز طواف دانسته اند و

ص: 31

-
- 1- ر.ک: سید عبدالاعلی سبزواری، مهذب الأحكام، ج 14، ص 95. و سید ابوالقاسم موسوی خوئی، المعتمد فی شرح المناسک، ج 29، ص 100.
 - 2- محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج 19، ص 300.
 - 3- ابن قدامه، المغنی، ج 3، ص 404.
 - 4- نووی، المجموع، ج 8، ص 50.
 - 5- نووی، المجموع، ج 8، ص 50 و ابن قدامه، المغنی، ج 3، ص 404.

فرمودند: پیامبر صلی الله علیه واله به مردم تفهیم کردند که آیه امر به این نماز نموده و الامر للوجوب(1).

3- تأسی به نبی اکرم صلی الله علیه واله(2). چه اینکه از مسلمات است که پیامبر بعد از طواف نماز گذارده اند و این فعل پیامبر صلی الله علیه واله در مقام بیان بوده است.

علامه حلی در منتهی المطلب در بیان ادله ی وجوب نماز طواف فرموده اند: «ولأنّ النبی صلی الله علیه واله فعَلَهُمَا فی بیان الحج، فكان واجباً؛ لأنّ بیان الواجب واجب. وقوله علیه السلام: «خذوا عني مناسككم»(3). (4) وكلام ایشان شاید به این معنا باشد که مبین در مقام بیان وجوب، واجب است. شیخ طوسی نیز می نویسند: «ولا خلاف أن النبی صلی الله علیه واله صلاهما، وظاهر ذلك يقتضی الوجوب»(5).

4- نصوص و روایات مستفیضه(6) بلکه متواتره(7).

در «المعتمد» چنین آمده است: ویدل علیه [أی وجوب صلاه الطواف] أخبار مستفیضه:

ومنها: الأخبار البیانیه؛

ومنها: الأخبار الخاصه الأمره بالصلاه والطواف كصحیحه معاویه

ص: 32

- 1- . علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج 8، ص 94.
- 2- . محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج 19، ص 301.
- 3- . صحیح مسلم، ج 2، ص 943، ح 1297 و... .
- 4- . علامه حلی، منتهی المطلب، ج 10، ص 325.
- 5- . شیخ طوسی، الخلاف، ج 2، ص 327.
- 6- . سید عبدالاعلی سبزواری، همان، ص 95.
- 7- . سید ابولقاسم موسوی خونی، المعتمد فی شرح المناسک، ج 29، ص 100.

بن عمار: «تجعلہ (أى المقام) اماما» _ بفتح الألف أو كسره _ ؛

ومنها: ماورد فى نسيان صلاه الطواف وأنه يعود ويصلى؛

ومنها: ماورد من أنه يصلّيها بعد رجوعه إلى محلّه وأهله. (1)

ما در این مقام به ذکر دو روایت بسنده می کنیم:

1- عن محمد بن يعقوب، عن علي بن ابراهيم، عن أبيه، عن حمّاد بن عيسى، عن حريز، عن محمد بن مسلم، قال سألت أبا جعفر عليه السلام عن رجل طاف طواف الفريضة وفرغ من طوافه حين غربت الشمس، قال: وجبت عليه تلك الساعه الركعتان فليصلهما قبل المغرب. (2)

2- وعن علي، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، وعن محمد بن إسماعيل، عن الفضل بن شاذان، عن ابن أبي عمير، وصفوان بن يحيى، عن معاوية بن عمّار قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: إذا فرغت من طوافك فأت مقام إبراهيم فصلّ ركعتين _ إلى أن قال: _ وهاتان الركعتان هما الفريضة ليس يكره لك أن تصليهما فى أى الساعات شئت، عند طلوع الشمس وعند غروبها، لا تؤخرها ساعه تطوف وتفرغ فصلهما. (3)

این دو روایت مرتبط با وقت نماز طواف است که می تواند طایفه ی پنجم از روایات دالّ بر وجوب نماز طواف باشد علاوه بر طوائفی که

ص: 33

1- . همان.

2- . محمد بن الحسن الحر العاملى، وسائل الشيعه، كتاب الحج، ابواب الطواف، باب 76، ح 1 _ ج 13، ص 434.

3- . همان، ح 3.

حضرت آیة‌الله خویی ذکر نمودند.

5- اقتضای طریق احتیاط:

مرحوم شیخ طوسی در خلاف در مقام تبیین ادله ی وجوب نماز طواف آورده اند: «و طریقہ الاحتیاط ایضاً تقتضیہ، لآئہ اذا صلاہما برئت ذمتہ بیقین، وإذا لم یصلہما فیہ الخلف».

مبحث چهارم: مکان نماز طواف

ظہور آیہ ی کریمہ بہ روشنی مبین آن است کہ مقام ابراہیم باید مصلائی نماز طواف باشد. ولکن معہذا در این زمینہ اختلاف نظر وجود دارد.

نوی در شرح مہذب آورده: قال ابن المنذر أجمع العلماء علی أنّ رکعتی الطواف تصحان حیث صلاہما إلا مالکاً فإنّہ کرہ فعلہما فی الحجر وقال الجمهور یجوز فعلہما فی الحجر کغیرہ وقال مالک إذا صلاہما فی الحجر أعاد الطواف والسعی إن کان بمکہ فإن لم یصلہما حتی رجع إلى بلادہ أراق دمأً ولا إعادہ علیہ قال ابن المنذر لاحتجہ لمالک علی ہذا لآئہ إن کانت صحیحہ فلا إعادہ سواء کان بمکہ أو غیرہا وإن کانت باطلہ فینبغی أن یجب إعادتها وإن رجع. فأما وجوب الدم فلا أعلمہ یجب فی شیء من أبواب الصلاہ. (1)

و در جواب این مطلب کہ با توجہ بہ ظہور آیہ ی کریمہ و سنت نبوی چرا مقام ابراہیم را شرط نمی دانند بہ عمل عمر استدلال می کند کہ نماز را در «ذی طوی» خواندہ است و یا بہ روایتی از بخاری

ص: 34

1- . نووی، المجموع، ج 8، ص 62.

که جناب امّ سلمه طواف را بر شتر انجام داد و نماز طواف نخواند و خارج شد(1).

وی در عبارتش آورده: «فإن قيل: فأنتم لا تشرطون وقوعها خلف المقام بل تجوز في جميع الأرض. قلنا: معنى الآية الأمر بصلاة هناك وقامت الدلائل السابقة على أنها يجوز فعلها في غير المقام والله أعلم»(2).

او در این کلام به ظهور آیه اعتراف کرده، ولی ادّعی ادلّه ای می کند که از ظهور آیه صرف نظر کنیم، و دو دلیل ذکر کرده:

1- فعل عمر: از او نقل می کنند که نماز طواف را در «ذی طوی» خوانده(3) و یا اینکه از او نقل می کنند که نماز طواف را خارج از حرم خوانده(4).

در مذهب حقه ی ما قول و فعل عمر حجیت ندارد و آنچه حجّت است قول و فعل رسول گرامی صلی الله علیه واله می باشد؛ از این گذشته کاشانی حنفی در بدایع الصنایع به عمر نسبت می دهد که نماز طواف را فراموش کرد و آن را در ذی طوی قضا کرد(5) گرچه دلیل و مؤیدی برای این ادعای خود ارائه نمی دهد.

2- روایت جناب امّ سلمه: در مورد این روایت با صرف نظر از

ص: 35

1- همان.

2- همان.

3- بیهقی، السنن الکبری، ج 5، ص 91.

4- بخاری، صحیح بخاری، ج 2، ص 198، و نووی، المجموع، ج 8، ص 50.

5- ابوبکر بن مسعود کاشانی حنفی، بدایع الصنایع فی ترتیب الشرایع، ج 2، ص 148.

مباحث سندی باید گفت که دلالت بر این ندارد که جایز است نماز طواف واجب را در غیر مقام خواند. چه اینکه احتمال دارد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امر کرده باشند که طواف مستحب انجام دهد. و نماز طواف استحبابی، مستحب است. (1)

روایت ام سلمه بدین شرح است: «عن عروه عن أم سلمه رضی الله عنها زوج النبی و صلی الله علیه [وآله] وسلم أن رسول الله صلی الله علیه [وآله] وسلم قال وهو بمكة وأراد الخروج ولم تكن أم سلمه طافت بالبيت وأرادت الخروج فقال لها رسول الله صلی الله علیه [وآله] وسلم: «إذا أقيمت صلاة الصبح فطوفی علی بعیرک والناس یصلون»؛ ففعلت ذلك فلم تصل حتى خرجت». (2) و به احتمال معتنا به این طواف، طواف وداع بوده به نظر علمای مذهب حقه ی امامیه این طواف مستحب است (3)، و همچنین در بین اهل سنت نیز قائل به استحباب دارد؛ چه اینکه در «فقه السنه» آمده است: «فقال مالک وداود وابن المنذر: أنه سنه، لا یجب بترکه شیء. وهو قول الشافعی. وقالت الأحناف والحنابلة، وروایه عن الشافعی: أنه واجب، یلزم بترکه دم». (4)

و بنا بر نظر مشهور علمای حقه ی امامیه ترک عمدی نماز طواف

ص: 36

-
- 1- . علامه حلّی، تذکره الفقهاء، ج 8، ص 94 و 97؛ أحمد نراقی، مستند الشیعه، ج 12، ص 136.
 - 2- . بخاری، صحیح بخاری، ج 2، ص 189.
 - 3- . سید محمدصادق روحانی، فقه الصادق، ج 12، ص 221؛ و مناسک حج، ص 357.
 - 4- . سید سابق، فقه السنه، ج 1، ص 666.

و بدین جهت فعل ام سلمه منافاتی با حکم در نزد مذهب حقه ی امامیه ندارد.

همچنین آنچه از عبارت ابن قدامه ی حنبلی استفاده می شود اینکه هر جا این نماز را بخواند کافی است (2)، گرچه مستحب است پشت مقام ابراهیم بخواند. (3)

و در «فقه علی مذاهب الأربعة» از قول حنفی ها آورده: «ویستحب أدائهما خلف المقام ثم فی الکعبه، ثم فی الحجر تحت المیزاب، ثم کل ما یقرب من الحجر - بالكسر - إلى البیت، ثم المسجد، ثم الحرم، فإن صلاهما خارج الحرم أساء». (4) و با توجه به روایت بخاری که عمر نمازش را خارج از حرم خوانده، باید به فکر چاره باشند؛ چه اینکه بخاری در عنوان باب آورده: «باب من صلّى رکعتی الطواف خارجاً من المسجد وصلّى عمر خارجاً من الحرم». (5) همچنین عبدالرحمن جزیری از قول مالک نقل کرده که: «مستحب است آن دو رکعت پشت مقام به جا آورده شود» (6)، و نووی در شرح مهذب آورده که:

ص: 37

1- . مناسک حج، ص 355.

2- . «و حیث رکعهما ومهما قرأ فیهما جاز فإن عمر رکعهما بذی طوی». ابن قدامه، المغنی، ج 3، ص 404.

3- . «ویستحب أن یرکعهما خلف المقام لقوله تعالی: «وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّیً» ابن قدامه، همان.

4- . عبدالرحمن جزیری، الفقه علی مذاهب الأربعة، ج 1، ص 658.

5- . بخاری، صحیح بخاری، ج 2، ص 189.

6- . عبدالرحمن جزیری، الفقه علی المذاهب الأربعة، ج 1، ص 654.

«مالک نماز طواف را در حجر بد می داند».(1)

نووی در شرح مهذب می آورد: «فرع يستحب أن يصلِّيها خلف المقام فإن لم يفعل ففي الحجر تحت الميزاب وإلا ففي المسجد وإلا ففي الحرم فإن صلاهما خارج الحرم في وطنه أجزاءه»(2) و علامه حلی با اشاره به کلام فوق می فرمایند: «والقرآن(3) يبطله»(4): قرآن باطل می کند این کلام را.

مبحث پنجم: زمان نماز طواف

ماردینی در الجوهر النقی که همراه با سنن بیهقی چاپ شده آورده است: «كره الثوری وأبوحنیفه وأصحابه الطواف بعد الصبح والعصر فان فعل قالوا لا یركع حتی تطلع الشمس أو تغرب».(5)

همچنین مالک در موطأ روایتی آورده که: «عن حمید بن عبدالرحمن بن عوف أن عبدالرحمن ابن عبدالقاری أخبره: أنه طاف بالبيت مع عمر بن الخطاب بعد صلاة الصبح فلما قضی عمر طوافه نظر فلم یر الشمس طلعت فركب حتى أناخ بذی طوی فصلی رکعتین سنه الطواف».(6) و زرقانی در شرح توضیح اینکه چرا عمر نماز طواف را به تأخیر انداخته می گوید: «(فركب) بدون صلاه رکعتی الطواف لآته

ص: 38

- 1- . نووی، المجموع، ج 8، ص 62.
- 2- . همان، ص 53.
- 3- . سوره ی بقره، آیه ی 125.
- 4- . علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج 8، ص 97.
- 5- . سنن بیهقی، ج 5، ص 92.
- 6- . شرح الزرقانی علی موطأ مالک، ج 2، ص 308.

كان لا يرى النفل بعد الصبح مطلقاً حتى تطلع الشمس» (1).

همچنین ماردینی از معاذ بن عفراء نقل می کند که: «أنه طاف بعد العصر أو الصبح فلم يصل وقال: قال رسول الله صَلَّى الله عليه وآله وسلم: لا صلاة بعد الغداة حتى تطلع الشمس ولا بعد العصر حتى تغرب» (2).

ولكن بيهقي در سنن خود نقل می کند که ابن عباس دو رکعت نماز طواف را بعد از عصر بجا آورد و از ابن عمر و حسن و حسین و ابی درداء رضی الله عنهم نقل می کند که ابن عمر نماز طواف را بعد از نماز صبح خوانده و بقیه نماز طواف را بعد از نماز عصر خوانده اند (3). همچنین روایتی نقل می کند از جبیر بن مطعم از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرموده اند: «يا بني عبدمناف لا تمنعوا أحداً طاف بهذا البيت وصلى أي ساعة شاء من ليل ونهار» (4).

و در فقه السنه آمده: «وتؤديان في جميع الأوقات، حتى أوقات النهي. فعن جبیر بن مطعم أن النبي صَلَّى الله عليه وآله قال: الحديث. ورواه أحمد، وأبو داود، والترمذی، وصححه. وهذا مذهب الشافعی، وأحمد» (5).

ابن رشد سه قول در مسأله طرح می کند:

1- اجازه ی طواف بعد از صبح و عصر؛

ص: 39

1- . همان.

2- . سنن بیهقی، ج 5، ص 91.

3- . همان، ص 92.

4- . همان.

5- . سید سابق، فقه السنه، ج 1، ص 621.

2- کراهت طواف بعد از صبح و عصر و منع آن در هنگام طلوع و غروب؛

3- اباحه ی آن در تمام اوقات؛

سپس می گوید: «وأصول أدلتهم راجعه إلى منع الصلاة في هذه الأوقات أو إباحتها، أما وقت الطلوع والغروب فالآثار متفقه على منع الصلاة فيها، والطواف هل هو ملحق بالصلاة في ذلك الخلاف؟»

ومما احتجت به الشافعيه حديث جبير بن مطعم أنّ النبي عليه [وآله] الصلاة والسلام قال: «يا بني عبدمناف أو يا بني عبدالمطلب إن وليتم هذا الأمر شيئاً فلا تمنعوا أحداً طاف بهذا البيت أن يصلّي في أي ساعه شاء من ليل أو نهارٍ»، ورواه الشافعي وغيره عن ابن عيينه بسنده إلى جبير بن مطعم». (1)

و نهایت چیزی که ابن رشد در این کلام اثبات می کند اینکه نماز طواف عند الطلوع و الغروب کراهت دارد.

و اما: علامه ی بزرگوار در تذکره آورده اند: «ومن طريق الخاصّه: قول الصادق عليه السلام _ في الصحيح _ : إذا فرغت من طوافك فأت مقام إبراهيم عليه السلام . فصلّ ركعتين، واجعله أمامك، وقرأ فيهما سورة التوحيد: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» وفي الثانية «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ»، ثمّ تشهد واحمد الله وأثن عليه وصلّى على النبي صلى الله عليه واله، وسله أن يتقبّل منك، وهاتان الركعتان هما الفريضة ليس يكره أن تصلّيهما أتى الساعات شئت: عند طلوع الشمس وعند غروبها، ولا تؤخّرها ساعه تطوف

ص: 40

1- . محمد بن احمد بن رشد، بدايه المجتهد ونهايه المقتصد، ج 1، ص 583.

وتفرغ فصلهما» (1).

و روایت دیگری که در وسائل الشیعه آمده متذکر می شویم که از کافی شریف نقل می کند: «عن علی بن ابراهیم، عن ابيه، عن ابن أبي عمير، عن رفاعه قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الرجل يطوف الطواف الواجب بعد العصر، أيصلي الركعتين حين يفرغ من طوافه؟ فقال: نعم، أما بلغك قول رسول الله صلى الله عليه واله: يا بني عبدالمطلب لا تمنعوا الناس من الصلاة بعد العصر فتمنعوهم من الطواف» (2).

و در روایت دیگر نماز طواف واجب بعد از عصر و بعد از صبح را به امام حسن و امام حسین علیهما السلام نسبت می دهند (3).

مبحث ششم: اجزاء نمازهای دیگر از نماز طواف

نوی شافعی در مذهب آورده: «قال أصحابنا إذا قلنا ركعتا الطواف واجبتان لم تسقط بفعل فريضه ولا غيرها كما لا تسقط صلاة الظهر بفعل العصر. وإذا قلنا هما سنة فصلي فريضه بعد الطواف أجزاء عنهما كتحيه المسجد وهكذا نص عليه الشافعي في القديم وحكاه عن ابن عمر ولم يذكر خلافه وصرح به جماهير الأصحاب» (4). و در چند صفحه بعد آورده است: «فرع: قد ذكرنا أن الأصح عندنا أن ركعتي الطواف سنة وفي قول واجبه. فإن صلى فريضه عقب الطواف أجزاءه عن صلاة الطواف إن قلنا هي سنة وإلا فلا وممن قال يجزئه عطاء

ص: 41

1- . علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج 8، ص 95. ر.ک: وسائل الشیعه، ج 13، ص 434.

2- . وسائل الشیعه، همان.

3- . همان، ص 435.

4- . نوی، المجموع، ج 8، ص 52.

وجابر بن زید والحسن البصرى وسعيد بن جبیر وعبدالرحمن بن الأسود وإسحق.

قال ابن المنذر ورويناه عن ابن عباس. ولا أظنه يثبت عنه. وقال أحمد أرجو أن يجزئه. وقال الزهري ومالك وأبو حنيفة وأبو ثور وابن المنذر لا يجزئه». (1)

ابن قدامه ي حنبلي نیز در المغنی آورده است: «وإذا صَلَّى المكتوبه أجزأته عن ركعتي الطواف وروى نحو ذلك عن ابن عباس، وعطاء وجابر بن زید والحسن، وسعيد بن جبیر، وإسحق. وعن أحمد: أنه صَلَّى ركعتي الطواف بعد المكتوبه. قال أبو بكر بن عبدالعزيز: هو أقيس، وبه قال الزهري، ومالك، وأصحاب الرأي لأنه سنّه فلم تُجز عنها المكتوبه، كركعتي الفجر.

ولنا: أنهما ركعتان شرعتا للنسك. فأجزأت عنهما المكتوبه، كركعتي الإحرام». (2)

همچنین در کتاب الحج و العمره فی الفقه الإسلامی آمده: «فلو صَلَّى الفريضة بعد الطواف أو نافله أخرى أجزأته عن ركعتي الطواف عند الشافعيه والحنابله». (3)

و بعد کلامی از قلیوبی شافعی نقل می کند مبنی بر اینکه یک نماز طواف می تواند از چند نماز طواف مجزی باشد. (4) در «فقه السنه» هم به

ص: 42

1- . همان، ص 63.

2- . ابن قدامه، المغنی.

3- . نورالدین عتر، الحج و العمره فی الفقه الإسلامی، ص 77.

4- . همان نقل می کند از: حاشیه القلیوبی علی شرح المنهاج، ج 2، ص 108 و 109.

شافعیه و مشهور از مذهب احمد نسبت داده اجزاء فریضه را به خلاف مالک و احناف. (1)

ولکن علامه حلّی در تذکره می فرماید: «ولاتجزئ الفریضه عن هاتین الرکعتین». (2) همچنین علامه کلام دیگری نیز دارند که از آن استفاده می شود عدم اجزاء: ایشان می فرمایند: «ولو صلّی المکتوبه بعد الطواف، لم تجزئه عن الرکعتین _ وبه قال الزهری ومالک وأصحاب الرأی _ لأنها فریضه، فلا یجزی غیرها عنها کغیرها من الفرائض المتعدده. وطواف النافله سنه، فلا یجزئ الفریضه عنه، کرکعتی الفجر». (3)

و در جواب ابن قدامه که قیاس کرده بود مورد را به نماز احرام فرموده اند: «والجواب: النافله فی الإحرام بدل عن الإحرام عقیب الفرضیه، بخلاف صورہ النزاع». (4)

به هر حال آنچه در این باره می توان گفت اینکه اصل عدم اجزاء است مگر آنکه به دلیل معتبری اجزاء ثابت شود. و فقیه متبعی مانند علامه حلّی ظاهراً به چنین دلیلی دست نیافته اند. و اما اینکه ابن قدامه قیاس کرده به نماز احرام؛ در جواب باید گفت: اولاً: قیاس حجّت نیست، و ثانیاً: در مورد نماز احرام دلیل داریم که مرحوم علامه در منتهی المطلب آورده است: وفي الصحیح عن معاویه بن عمّار، عن

ص: 43

1- . سید سابق، فقه السنه، ج 1، ص 622.

2- . علامه حلّی، تذکره الفقهاء، ج 8، ص 97.

3- . همان، ص 99.

4- . همان، ص 99 و 100.

أبي عبدالله إله قال: «لا يكون إحرام، إلا في دبر صلاة مكتوبه أو نافله» الحديث (1). که این روایت دلالت دارد بر اینکه نماز فريضة و نافله هر دو مجزی است برای احرام. ولی چنین دلیلی در مورد نماز طواف ظاهراً وجود ندارد.

مبحث هفتم: نشسته خواندن نماز طواف

نووی شافعی در شرح مهذب آورده: «إذا قلنا صلاة الطواف سنة جاز فعلها قاعداً مع القدرة على القيام كسائر النوافل وإن قلنا واجبه فهل يجوز فعلها قاعداً مع القدرة على القيام؟ فيه وجهان حكاهما الصيمري وصاحبه الماوردی فی الحاوی وصاحب البيان. أصحابهما: لا يجوز كسائر الواجبات. والثاني: يجوز كما يجوز الطواف راكباً ومحمولاً مع القدرة على المشي والصلاة تابعه للطواف» (2).

به هر حال ظاهراً زیر بنای قول به جواز جلوس _ مع التمكن من القيام _ در حال نماز طواف، قول به استحباب این نماز است، و این قول در نزد فقهای امامیه مطرود است. همچنین این مطلب که گفته می شود: چون طواف راكباً و محمولاً صحیح است، پس نماز طواف جالساً صحیح است؛ قیاس و باطل است. به صورت کلی هر چه در زمینه ی احکام و مخصوصاً عبارات گفته می شود، احتیاج به دلیل معتبر و بیان معصومین علیهم السلام دارد.

در این باره آنچه می توان گفت اینکه روایات مطلقه ای داریم مبنی

ص: 44

1- . علامه حلی، منتهی المطلب، ج 10، ص 208.

2- . نووی، المجموع، ج 8، ص 52.

بر اشتراط قیام در نماز؛ از جمله:

1- محمد بن یعقوب، عن علی بن ابراهیم، عن ابيه، عن ابن محبوب، عن أبي حمزه، عن أبي جعفر عليه السلام في قول الله وجل عن «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ» (1) قال: الصحيح يصلّي قائماً والمريض يصلّي جالساً، وعلى جنوبهم الذي يكون أضعف من المريض الذي يصلّي جالساً. (2)

2- محمد بن علی بن الحسین یاسناده عن زراره قال: قال أبو جعفر عليه السلام _ في حديث _ وقم منتصباً فإن رسول الله صلى الله عليه واله قال: من لم يقم صلبه فلا صلاه له. (3)

و در مقابل این روایات _ با مراجعه ی به وسائل الشیعه ابواب القیام (4) و مراجعه ی به ابواب مربوط به نماز طواف (5) _ مخصص و مقیدی یافت نشد، بلکه روایت خاصه ای هست در خصوص نماز طواف که بیان می دارد نشسته خواندن نماز طواف جایز نیست. روایت چنین است:

محمد بن علی بن الحسین یاسناده عن علی بن نعمان، عن يحيى الأزرق، عن أبي الحسن عليه السلام قال: قلت له: إنني طفت أربع أسابيع

ص: 45

1- سوره ی آل عمران، آیه ی 191.

2- . حر عاملی، وسائل الشیعه، کتاب الصلاه، ابواب القیام، باب 1، ح 1، ج 5، ص 481.

3- . همان، باب 2، ح 1، ص 488.

4- . همان، ج 5، ص 481 به بعد.

5- . همان، کتاب الحج، ابواب الطواف، ابواب 71 تا 80، ج 13، ص 422 تا 441.

وأعيتت، أفصلّي ركعاتها وأنا جالس؟ قال: لا، قلت: فكيف يصلّي الرجل صلاه الليل إذا أعمى أو وجد فتره وهو جالس؟ قال: فقال: يستقيم أن تطوف وأنت جالس؟ قلت: لا. قال: فتصلهما وأنت قائم. (1)

مرحوم شيخ حر عاملی روایت را مربوط به طواف مستحب دانسته اند و در عنوان باب آورده اند: «باب حکم صلاه الطواف المندوب من جلوس». به هر حال _ چه روایت مربوط به طواف مفروض باشد و چه مربوط به طواف مندوب _ لزوم ایستاده خواندن نماز طواف از روایت قابل استفاده است، و در صورتی که مربوط به طواف مستحب باشد به طریق اولی دلالت بر این مطلب دارد؛ زیرا در صورتی که در نماز طواف مندوب قیام لازم باشد _ و حال آنکه در مستحبات نوعاً مبنا بر تسامح است _ به طریق اولی در نماز طواف واجب قیام لازم است.

مبحث هشتم: محاذات مرد و زن در نماز طواف

فی کتاب (العلل): عن محمد بن الحسن بن الولید، عن الصفّار، عن العباس بن معروف، عن علی بن مهزیار، عن فضاله، عن أبان، عن الفضیل، عن أبی جعفر علیه السلام قال: إنّما سمّیت مکة بکة لأنّه تبک فیها الرجال والنساء، والمرأه تصلّی بین یدیک وعن یمینک وعن یسارک ومعک ولا بأس بذلك، وإنّما یکره فی سائر البلدان (2).

ص: 46

1- . همان، أبواب الطواف، باب 79، ح 1، ج 13، ص 440.

2- . همان، أبواب مکان المصلی، باب 5، ح 10 _ ج 5، ص 126.

آیهالله خوئی در المستند این روایت را صحیحه توصیف نموده اند(1).

امام خمینی در مناسک خود آورده اند: محاذات زن و مرد هنگام نماز طواف به صحت نماز ضرر نمی زند(2). و ظاهراً همین نظر مشهور بین متأخرین است.

همچنین نظر آیهالله سید موسی شبیری زنجانی در این باره چنین است:

«از احکام مسجدالحرام و اطراف نزدیک آن _ که محل تراکم نمازگزاران است _ آن است که بانوان می توانند در کنار مردان، بلکه جلوتر از آنها نماز بخوانند و این امر کراهت نیز ندارد»(3).

ص: 47

1- . سید ابوالقاسم موسوی خوئی، المستند فی شرح العروه الوثقی، ج 13 از موسوعه الإمام الخوئی، ص 109.

2- . مناسک حج، ص 371، مسأله ی 806.

3- . سید موسی شبیری زنجانی، مناسک زائر، ص 150، مسأله ی 372.

«وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى»

به اجماع تمام فرق مسلمین نماز طواف سنت نبوی است و نماز طواف در مذهب حقه ی امامیه از واجبات است، کما اینکه برخی دیگر از فرق نیز بر این عقیده اند از جمله حنفی ها. و برخی دیگر آن را مندوب می دانند از جمله حنبلی ها.

از ادله ای که بر وجوب نماز طواف اقامه شده آیه ی کریمه ی ۱۲۵ سوره ی بقره و طوایفی از روایات است که تصریحاً و تلویحاً دلالت بر وجوب نماز طواف دارد.

مکان نماز طواف به نظر مذهب حقه ی امامیه نزد مقام ابراهیم و در بعضی روایات پشت مقام ابراهیم است. همچنین آنچه به نظر می آید اینکه نماز طواف و اصل طواف در اوقات پنج گانه ای که برای کراهت نماز نافله بر شمرده شده (بعد نماز صبح و بعد نماز عصر و هنگام بلند شدن خورشید و هنگام طلوع و غروب خورشید) مکروه نمی باشد، کما اینکه در اصل کراهت نماز نافله در اوقات مذکوره اشکال وجود دارد کما اینکه آیةالله سید محمدکاظم طباطبایی در العروه الوثقی و

آیه‌الله خوئی در «المستند فی شرح العروه الوثقی»⁽¹⁾ به آن اشاره کرده اند. همچنین بنابر آنچه گذشت نشسته خواندن نماز طواف مع التمكن من القيام جایز نمی باشد.

در مورد اجزاء نمازهای دیگر از نماز طواف نیز باید گفت: اصل عدم اجزاء است و اجزاء احتیاج به اثبات دارد.

در رابطه ی با محاذات مرد و زن در نماز طواف هم مشهور بین متأخرین جواز و صحت نماز در این حالت می باشد.

والله العالم بحقائق الامور

وما توفیقی إلا بالله علیه توکلت وایه أنیب

تابستان 1389

ص: 49

1- . ر.ک: المستند فی شرح العروه الوثقی، ج 11 از موسوعه الإمام الخوئی، ص 367.

1. قرآن کریم.
2. البرهان، سید هاشم بحرانی، قم، دارالتفسیر، الطبعة الأولى، 1417 هـ. ق.
3. التبیان، شیخ طوسی، نجف، مکتبه الامین.
4. تسنیم، عبدالله جوادی آملی، قم، نشر اسراء.
5. تفسیر عیاشی، مسعود بن عیاش، تهران، علمیه اسلامیة.
6. تفسیر القرآن الکریم، سید عبدالله شبر، بیروت، اعلمی.
7. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ 1381 هـ. ش.
8. الجدول فی إعراب القرآن و صرفه و بیانہ، محمود صافی.
9. الکشاف، زرخشری، دارالمعرفه.
10. معجم إعراب ألفاظ القرآن الکریم (با مقدمه ی محمد سید طنطاوی).
11. جامع البیان، طبری، دارالمعرفه.
12. معانی القرآن و اعرابه، زجاج، بیروت، عالم الکتب. الطبعة الأولى ۱۴۲۴ هـ. ق.
13. المیزان، سید محمد حسین طباطبائی، بیروت، المطبعة التجاریة.
14. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی.
15. کافی، محمد بن یعقوب کلینی، اسلامیة.
16. وسائل الشیعة، محمد بن الحسن الحر العاملی، بیروت، مؤسسه آل البيت، ۱۴۲۴ هـ. ق.
17. روضه المتقین، محمد تقی مجلسی، قم، بنیاد فرهنگ اسلامی، الطبعة الثانية، 1406 هـ. ق.
18. حج و عمره در قرآن و حدیث، محمد محمدی ری شهری، قم،

دارالحديث، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ه.ش.

19. صحيح بخارى، محمد بن اسماعيل بخارى.

20. صحيح مسلم، مسلم بن حجاج نيشابورى.

21. سنن بيهقى (به همراه الجوهر النقى ماردینى)، ابوبکر احمد بن الحسين بن على البيهقى، بيروت، دارالمعرفه.

22. شرح الزرقانى على الموطأ، دارالفکر.

23. بحث هاى از فقه تطبیقى، مهدى پیشوايى و حسين گودرزى، نشر مشعر، چاپ چهارم، 1381 ش.

24. تذکره الفقهاء، علامه حلى، مؤسسه آل البيت، الطبعة الاولى.

25. جواهر الکلام، محمدحسن نجفى، دارالکتب الاسلاميه.

26. الخلاف، شيخ طوسى قم، جامعه ی مدرسین، 1409 ه.ق.

27. سرائر، ابن ادریس حلی، قم، جامعه ی مدرسین، چاپ دوم، 1410 ه.ق.

28. فقه الصادق، سيد محمدصادق حسینی روحانی، قم، مؤسسه ی

دارالکتاب.

29. مستند الشیعه، احمد نراقى، مشهد مقدس، مؤسسه آل البيت، الطبعة الاولى.

30. المستند فى شرح العروه الوثقى، سيد ابوالقاسم خوئى، تأليف: مرتضى بروجردى، قم، مؤسسه الخوئى الإسلاميه، الطبعة الرابعه، 1430 ق.

31. المعتمد فى شرح المناسك، سيد ابوالقاسم موسوى خوئى، تأليف: سيد محمدرضا موسوى خلیخالی، قم، مؤسسه الخوئى الإسلاميه، الطبعة الرابعه، 1430 ق.

32. مناسک زائر، سيد موسى شیبیری زنجانی، نشر شهاب الدین، چاپ دوم، 1387 ه.ش.

33. مهذب الأحكام، سيد عبدالأعلى سبزواری، قم، مؤسسه المنار.

34. مناسک حج، امام خمینی (با حواشی مراجع معظم تقلید)، تألیف: محمد رضا محمودی، تهران، نشر مشعر، 1429 ه.ق.
35. منتهی المطلب، علامه حلی، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
36. مناسک حج در مذاهب پنج گانه، صدرالدین محلاتی شیرازی، تهران، شرکت سهامی، 1351 ه.ش.
37. صهبای حج، عبدالله جوادی آملی، قم، نشر اسراء، چاپ چهارم، 1382 ه.ش.
38. بدایه المجتهد ونهایه المقتصد، محمد بن أحمد بن رشد، قاهره، مکتبه الکلیات الأزهریه و بیروت، دارالجیل، الطبعة الاولى، 1409 ه.ق.
39. توضیح المناسک علی المذاهب الأربعة، أحمد عبدالقادر معبی، جدّه، مکتبه الإرشاد، الطبعة الاولى، 1390 ه.ق.
40. بدایع الصنایع، ابوبکر بن مسعود کاشانی، دیار بکر ترکیا.
41. الحج والعمرة فی الفقه الاسلامی، نورالدین عتر، حلب، مکتبه العربیه، 1389 ه.ق.
42. فقه السنه، سید سابق، بیروت، دارالکتاب العربی، الطبعة الثامنة، 1407 ه.ق.
43. الفقه علی المذاهب الاربعه، عبدالرحمن جزیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
44. المجموع، نووی، دارالفکر.
45. المغنی والشرح الکبیر، ابنی قدامه، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، 1404 ه.ق.
46. المغنی فی فقه الحج والعمرة، سعید بن عبدالقادر باشنفر، بیروت، دار ابن حزم، چاپ دهم، 1427 ه.ق.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

